تاریخ ایران به روایت نقشه

بخش اول - فرامرز خرد

مقدمه:

زمانی که دولت – ملتی را شکل می دهند، باید برای آن گذشته ، تاریخ افتخارات و ادبیات ساخت که با آن مجموعه، ملت به داشته های خود به بالد . تا می شود باید بدو خوراک افتخارات داد. از دید سازندگان آن مجموعه، به هیچ وجه مهم نیست ساخته شده ها و افتخارات درستند یا نادرست. مهم تاثیری است که، این ساخته شده ها و افتخارات، ملت را متقاعد سازد در مقابل دیگر ملتها دارای چیزی است و در درون خود به آن افتخار کند. ملت سازان این نمود ها را از دل روحیات و باورهای ریشه ایی ملت بیرون آورده و به روز می کنند، اغراق در آن پر رنگ می شود. بحث ما در دوره ی ایران نوین است. یعنی از اوائل 1300چند لحظه در گفته های زیر تامل کنید:

در عرصه تاریخ:

ایرانیان اولین مردمانی بودند که آتش را در جهان کشف کردند

ایرانیان اولین مردمانی بودند که که قاره آمریکارا کشف کردند

ایرانیان اولین مردمانی بودند که حروف الفبا را در 7000 سال پیش ساختند

mahmag.org ماه مگ world literature

اولین تمدن بشری

تاریخ7000ساله ایران

تاریخ 3000 ساله ایران

تاریخ 2500 ساله شاهنشاهی ایران

تاریخ 1400 ساله اسلامی

منشور حقوق بشر کورش

اسطوره های تاریخیمان: آرش کمانگیر مرز ایران را با کشیدن کمان و رها کردن تیر معین کرد(قوی ترین تیر انداز می تواند 180 متر تیر پرتاب کند)

در عرصه مذهب:

شیعه اسلام انقلابی در ایران پا گرفته است

علی امید بشریت

انقلاب حسین، خون بر شمشیر پیروز است

اسطوره های مذهبییمان: در بهشت بوسه های حوریان 50 هزار سال طول می کشد. قد حوریان 140 متر است. کمک به ایتام برابر 100هزار رکعت نماز است.

در عرصه هنر:

حلاوت موسیقی اصیل ایرانی هیچ موسیقی دیگری ندارد

منبت کاری و قالی بافی ایران سرآمد است

زیباترین و بدیع ترین قالی ها کار ایرانیان است(مهم نیست که ندانیم تا قبل از آمدن تیموری ها به منطقه ایران، طرحهای قالی ایران طرحهای ابتدایی چهارگوش همانند گبه های امروزی بوده و طرحهای فعلی ریشه چینی دارند)

هنر نزد ایرانیان است و بس

ایران ، مرز پر گهر- خاکت سرچشمه ء هنر

گربه ایران زیباترین گربه دنیاست

در عرصه ادبیات:

فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، عطار... بزرگترین شاعران دنیا هستند

زبان فارسی شیرین ترین زبان دنیاست

اصفهان نصف جهان

طبق آمار رسمی سازمان ملل متحد میزان باسوادی در ایران 79% است. تعریف باسوادی اینست که ، شخص باسواد بتواند نام و شهرت خود و چند جمله ی ساده را بنویسد و بخواند. باز طبق آمار ارائه شده توسط دولت ایران ، متوسط مطالعه یک ایرانی 30 ثانیه در روز است.یعنی به اندازه ی خواندن تابلو دو مغازه.

شماره گان کتاب ها 1000 تا حداکثر 3000 می شود. روشن است موارد استثناء هم وجود دارد.تنها کتابهای آشپزی مانند کتاب خانم روزا منتظمی با شماره گان 40000 به چاپ بیستم و سی ام می رسد .

با این وضعیت بیسوادی و کم سوادی، شاه و شیخ قادر بوده و هستند هر خزعبلی را به خورد مردم دهند. و لشگری از مورخ و ادیب و شاعر و علامه هم وظیفه نهادی ساختن این خزعبلات را در باور مردم بعهده گرفتند. همواره هم داد سر داده و می نالیدند و می نالند استبداد اجازه نمی دهد ما بنویسیم، دست ما بسته است. چنان جو سنگین می شود که نمی توانی کوچکترین انتقادی بنمایی. و بد تر از ان نهادی شدن این باور ها در ماست که رد آنها رد " بودن" مخاطب تعبیرمی شود.
یکی دیگراز مضرات آموزشهای تاریخی ما ، انست که نیاز به بازنگری تاریخ را از بین می برد. و این خود معلول آنست که خواننده را بدنبال یک مورخ " خوب و صالح" می فرستد. مورخی که بتوان بوی اعتماد کرد. بر اساس این تفکر، علاوه برآنکه مورخی این چنینی یافت نمی شود بلکه وظیفه او یعنی تعمق کردن را از او می گیرد.

گردآوری زیر تنها ارائه نقشه ها در دورانهای مختلف می باشد. کافی است بر روی دو اصل زیر که پایه فراگیری تاریخی است تفاهم داشته باشیم .

اصل اول: انسان برای بقا خود، مجبور به مبارزه با محیط اطراف خود بوده و می باشد.

اصل دوم: انسان برای بقا خود، مجبور بوده هرچه سر راه خود قرار گرفته ،نابود کند. اینکار تا به امروز هم انجام می شود.(اما محدود تر)

ارزیابی های اخلاقی در تاریخ یا از سر ناآگاهی است یا فریب کاری. نمی توان بعنوان ایرانی به امپراتوری خود از مرز چین تا لیبی افتخار کرده و شورش های ساکنان بومی را سرکوب کنیم(شش بار مصری ها علیه سپاه داریوش قیام کرده و شدیداً سرکوب شدند) و زمانی که اقوام دیگر به کشور ما آمدند آنها را مهاجم و وحشی نامیده و باور " ننه من غریبم " ارائه داده و تظلم خواهی کنیم .
هون ها اقوام بیابانگردي بودند که از استپ هاي دور دست آسیا به حرکت درآمده و در قرن سوم میلادي در حالیکه اقوام ژرمن از مقابل آنها فرار مي کردند در منطقه دانوب مستقر مي شوند. تحت فشار هون ها اقوام ژرمن به نوبه خود مسیر غرب را پیموده و وارد قلمروي امپراتوري روم مي شوند.
در سال 378 میلادي ژرمن هاي موسوم به ویزیگوت ها از رود دانوب عبور کرده و به ارتش امپراتور والنسین حمله مي کنند.

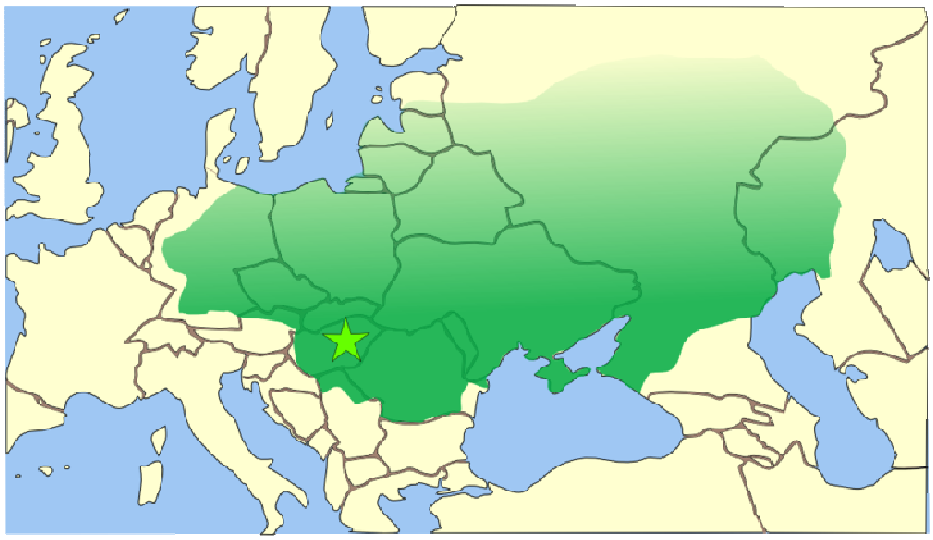

گستره امپراطوری هون ها

هموطنان سلطنت طلب ما ، در مقابل ارتجاع 1400 ساله ملاها، مارا مجدداً به 2500 قبل دعوت می کنند. مضاف به اینکه یکبار امتحان خود را داده اند. ملاها، صدر اسلام ِ مطهر را، بزرگ می کنند سلطنت طلبان دوران شکوفایی 200 ساله هخامنشیان. دورانی که خود اذعان می کنندحاکمیت نظامی – مذهبی ، 100 گروه قومی را گرد آورده بودند اما نمی گویند با زور شمشیر. هیچ ارتباط ملی بین انها وجود نداشته و نمی توانسته وجود داشته باشدکما اینکه تا به امروز هم وجود نداشته است .

" ایران گربه ملوس نشسته بر جنوب غربی آسیا " فریبی بوده و هست برای ایجاد ذهنیت غیر تاریخی که عمدتاً از

طرف اقای علیرضا نوری زاده ارائه می شود و ما را به ضد عرب شدن تشویق می کند .

مستقل از آنکه تجزیه ایران طرحی آمریکایی یا اروپایی یا اسرائیلی باشد، تجزیه کشورهای عقب افتاده ای مانند ایران از دید تاریخی اجتناب نا پذیر است. تکرار "سناریو تجزیه" آغاز شده است. در مقاله

روحانیت از پراکندگی تا قدرت :۱۹۰۹-۱۸۲۸

روحانیت در پراکندگی ۱۸۵۰- ۱۸۲۸ (اثر هما ناطق)**چنین آمده است**

بدینسان بود که به یاری ملایان راه تجزیهٔ ایران هموار شد. به راه جدا کردن هرات، *هانری لایار* نمایندهٔ نظامی انگلیس با سرفرازی گزارش می کرد: در بارهٔ هرات «دوبار به دیدار مجتهد اصفهان رفتم [...] با اینکه او یک مسلمان سرسخت است [...] از من بسیار مؤدبانه پذیرائی کرد [...] و در بارهٔ مسائل سیاسی هم به گفتگو نشستیم] «.78]

کل مقاله را در سایت زیر می توانید بخوانید**http://www.iran-resist.org/rubrique11**

خواندن آنرا به شما پیشنهاد می کنم.

اقوام ساکن آسیای میانه بنا بدلائل مختلف از جمله نفوذ شدید و ناگهانی سرمای جلگه سیبیری و از بین رفتن دامها و کم شدن تعدادآنها و در پی آن جنگ و درگیری بین قبائل برای بدست آوردن منابع غذایی مجبور به ترک محل و مهاجرت به سمت مناطق مناسب تر برای زندگی گردیدند.

پس از تقسیمات متعدد، گروه اولیه ی این اقوام به نام هندو اروپایی از هم نژادان خود جدا شده و به سمت مناطق غربی جنوبی تر حرکت کردند . این گروه خود را ارایی یعنی دارای نژاد اصیل و نجیب می خواندند.

اینان برای ورود و سکنا گزیدن در مناطق گرم جنوبی ، ناچار با ساکنان بومی و اولیه ایران وارد نبرد شدند و انها را از بین برده و خود جایگزین انها شدند.

اگر با این دو اصل به ارزیابی تاریخ به پردازیم، دیگر جایی برای دفاع فریب کارانه از ملت نجیب و اصیل وجود ندارد. این روند مهاجرتی از 5000 تا 4500 سال پیش آغاز گردیده بود. **فلات ایران قبل از ورود آریائی ها، دارای درخشان ترین تمدن تا آن زمان بوده است. آریا**، نامی است که نیاکان مشترک اقوام ایرانی و هندی (مردمان شمال هند) (آنان که به زبان‌های هند و ایرانی سخن می‌گفتند) خود را بدان معرفی می کردند و آن را به **معنی شریف، اصیل و آزاده** دانسته‌اند. کسی که وابسته و از تبار قوم آریا باشد آریایی، آرین یا آریان می‌نامند.(باید در تاریخ جست که مردمی نام خود را رذیلان، جنایتکاران، پست فطرتان گذاشته اند؟)

تنها مورد کاربرد مجاز اصطلاح آریایی درباره اقوامی است که در ازمنه باستانی خود، خویشتن را آریا می نامیدند. هندیان و ایرانیان و مادها و اسکیت ها و آلان ها و اقوام ایرانی زبان آسیای میانه خود را آریا مي خواندند.

موج اول مهاجرت از آسیای میانه (اقوام آریایی- هند و اروپایی)

سومری ها و عیلامی ها

تمدنهای ماقبل ورود آریائیها: میان رودان، سومریها، آکد، اشور، بابل، هتی ها، لیدیه، عیلام، اوراتورها، ماننا. **عیلامی‌ها** یا **ایلامیان** یکی از اقوام سرزمین ایران بودند که از 5600 سال پیش تا 2600 پیش ، بر بخش بزرگی از مناطق جنوب غربی پشتهٔ(فلات) ایران فرمانروایی می‌کردند. (تاریخ مکتوب موجود از 5600 پیش است.) تمدن عیلام یکی از قدیمی‌ترین و نخستین تمدن‌های جهان است. بر اساس بخش‌بندی جغرافیایی امروز، عیلام باستان سرزمین‌های خوزستان، فارس، ایلام و بخش‌هایی از استان‌های بوشهر، استان کرمان، لرستان و کردستان را شامل می‌شد.**(کسانی که این مردمان را ایرانی می دانند قطعاً نادان نیستند)**

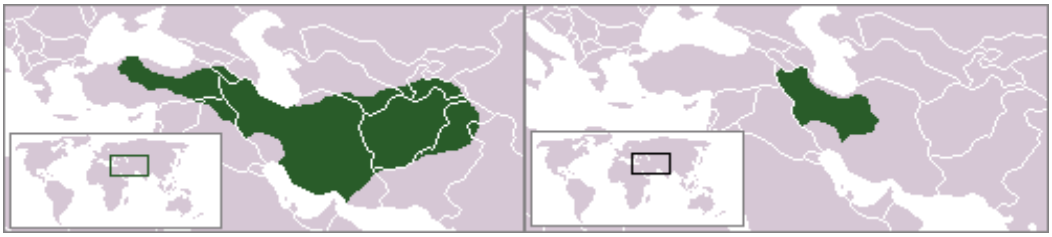

سرزمین ماد ۶۷۵ پ.ع. **سرزمین ماد ۶۰۰ پ.ع.**

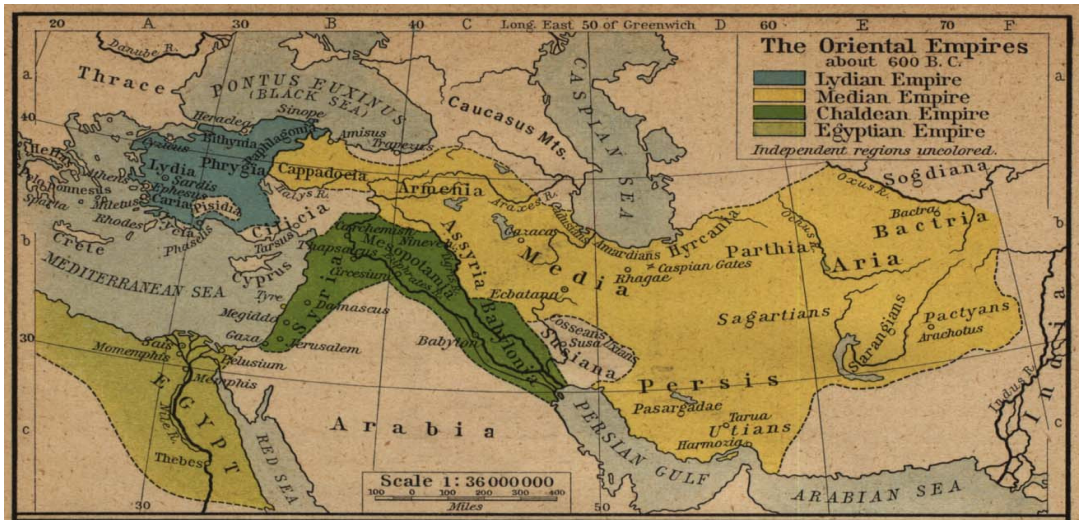

مادها (۵۵۰-۷۲۸ پیش از عیسا)

هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰پیش از عیسا)

" ایران گربه نشسته بر جنوب غربی آسیا "

موج اول مهاجرت از آسیای غربی (اقوام یونانی نژاد)

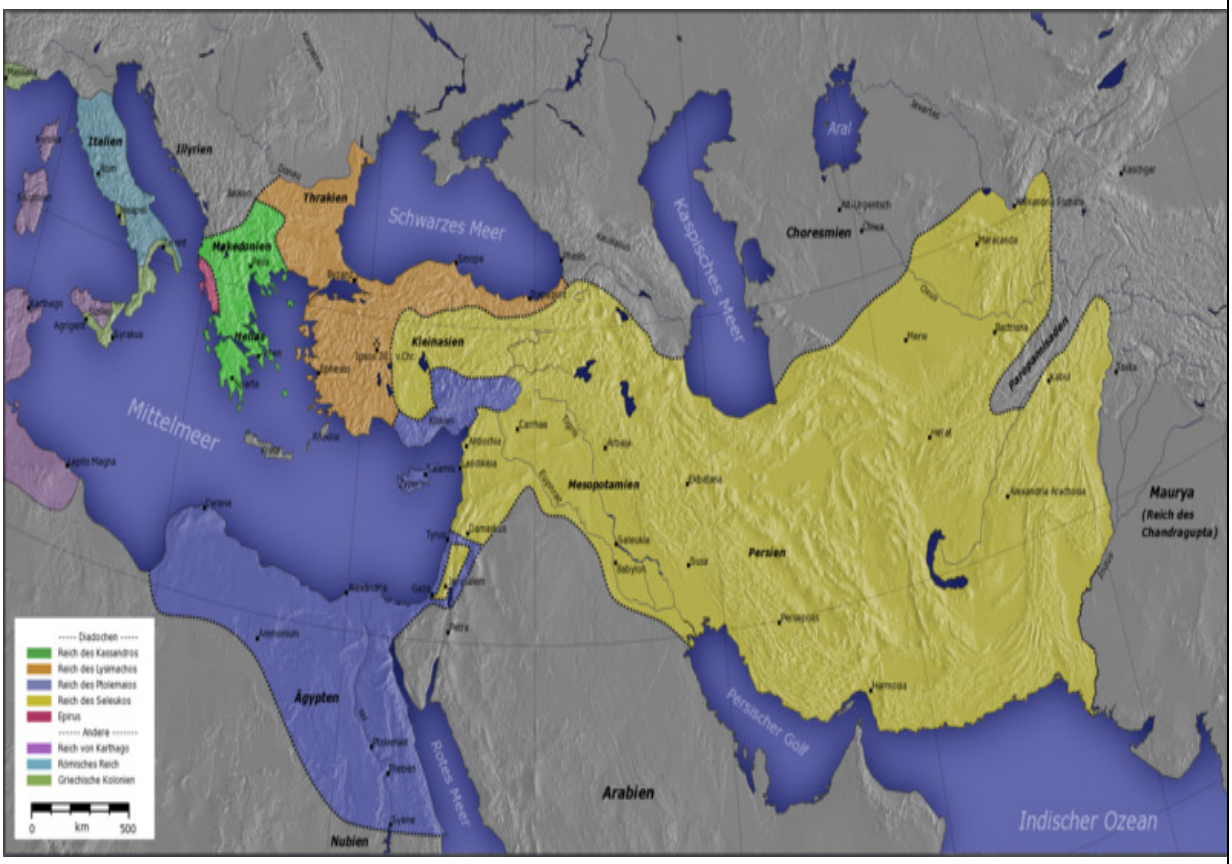

سلوکیان از 312 پیش از عیسا تا 64 پیش از عیسا

از دویست و چهل و هشت سال مدت

سلطنت سلوکیان ایران بیش از شصت و پنج سال (۳۱۲-۲۴۷) به تمامی در تحت فرمان آنان باقی ماند .

" ایران گربه ملوس نشسته بر جنوب آسیا "!

پارت ها 100 پیش از عیسا

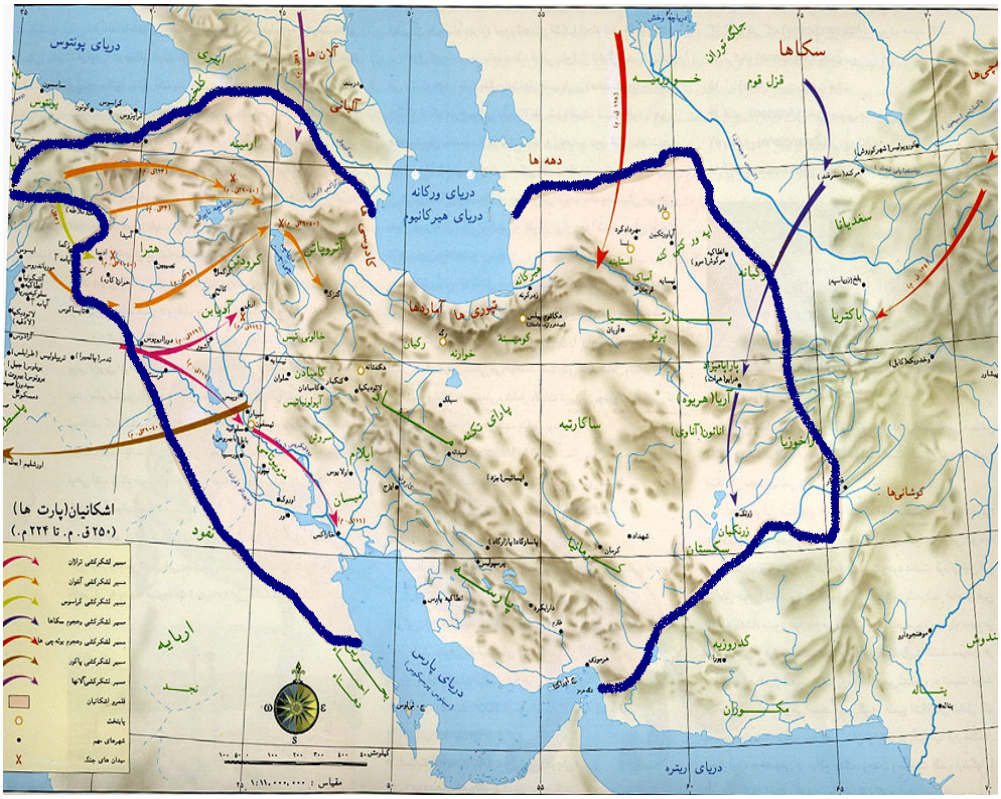

پارتها